

رابطه ی طرحواره های شناختی فعال شونده، افکار خودآیند منفی و محتوای افکار خودآیند با کنش‌وری جنسی در دانشجویان متاهل زن

پریسا ضیایی^۱، زهره سپهری شاملو^۲ و علی مشهدی^۳

فعالیت جنسی، به عنوان یکی از اساسی ترین ابعاد زندگی انسان مطرح است. هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط میان طرحواره های شناختی فعال شونده در حین رابطه ی جنسی، افکار خودآیند منفی و محتوای این افکار با کنش جنسی دانشجویان متاهل زن بود. بدین منظور، طی یک پژوهش توصیفی مبتنی بر رگرسیون، ۱۲۵ نفر از دانشجویان متاهل زن دانشگاه فردوسی مشهد با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و از نظر شاخص عملکرد جنسی، برانگیختگی طرحواره های شناختی در بافت جنسی و پرسشنامه ی سبک های جنسی مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون خطی نشان داد طرحواره های شناختی فعال شونده و افکار خودآیند منفی با کنش جنسی، افکار خودآیند سواستفاده ی جنسی، فقدان افکار تحریک کننده و فقدان تصویر تن مطلوب با کنشی جنسی در زنان متاهل، همبستگی منفی معناداری داشت. نتایج این پژوهش نشان داد کنشی جنسی توسط متغیرهای افکار خودآیند منفی و طرحواره های شناختی، پیش بینی می شود. این یافته ها بیان می کند که طرحواره های شناختی و افکار خودآیند منفی از متغیرهای تاثیرگذار بر کنشی جنسی زنان متاهل است.

واژه های کلیدی: کنشی جنسی، طرحواره های شناختی، افکار خودآیند منفی

مقدمه

روابط جنسی رضایت بخش، یکی از مهمترین پیش کننده های رضایت از زندگی مشترک است. مطالعه ی آندرمولر و زیل ون (۱۹۹۱) نشان داد بیشترین عدم رضایتمندی از زندگی زناشویی به خرده مقیاس رضایتمندی از رابطه ی جنسی برمی گردد. نتایج تحقیقات کومر گارنفسکی، کراج، تردس، لگرسستی و همکاران (۱۹۹۶) نیز نشان می دهد که رضایتمندی جنسی

۱. دپارتمان روان شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسول) ziaee.parisa@gmail.com

۲. دپارتمان روان شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۳. دپارتمان روان شناسی بالینی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

به طور معناداری در سازگاری زناشویی موثر است. یکی از عوامل مهم در فعالیت جنسی افکار فرد یا شناخت او در مورد عمل جنسی یا توانایی او در مورد کنشی جنسی است (اسپنس، ۲۰۰۱). زنانی که طرحواره های جنسی مثبتی درباره ی رابطه ی جنسی دارند، در مقایسه با زنانی که طرحواره های جنسی منفی دارند، احساس بهتری در مورد تجربیات جنسی خود دارند و این طرحواره های مثبت، آنها را به سمت وارد شدن به رابطه ی جنسی رضایت بخش تری هدایت می کند (میدلتون، کافل و هایمن، ۲۰۰۸). یک گروه تحقیقاتی، شاخص هایی برای سنجش مفهوم خود-طرحواره ی جنسی^۱ به وجود آورده اند (اندرسون و سیرانوسکی، ۱۹۹۴؛ اندرسون، سیرانوسکی و اسپیندل، ۱۹۹۹؛ سیرانوسکی، آرتستاد و اندرسون، ۱۹۹۹؛ سیرانوسکی و اندرسون، ۲۰۰۰) که از نظر آنها خود-طرحواره ی جنسی، تعمیم های شناختی یک فرد درباره ی جنبه های جنسی است که از تجارب گذشته ی او نشأت و در تجارب کنونی او آشکار و رفتار جنسی را هدایت می کند (اندرسون و سیرانوسکی، ۱۹۹۴). ریجو (۲۰۰۰) معتقد است که افراد، دسترسی ارادی کامل به خود-طرحواره های خود ندارند و قادر به گزارش آن ها به صورت کامل نیستند.

اختلالهای کنشی جنسی به عنوان اختلال میل، تحریک، ارگاسم و درد جنسی، ناشی از عوامل چندگانه ی جسمی و روانشناختی است و می تواند سبب ناراحتی شدید فردی شده و بر کیفیت زندگی و ارتباطات بین فردی اثر بگذارد، فراگیر یا موقعیتی، کلی و یا جزئی باشد (برنهارد، ۲۰۰۲). مشاهدات بالینی و مدل های نظری، بر اهمیت ساختارهای شناختی بنیادین^۲ (طرحواره ها^۳ یا باورهای بنیادین^۴) در فرآیندهای کنشی جنسی تاکید می کنند (مک کارتی، ۱۹۸۶؛ کری، وینز و میزler، ۱۹۹۳؛ روزن، لیلوم و اسپکتر، ۱۹۹۴؛ اسپراکو و بارلو، ۱۹۹۶) و توجه ی فزاینده ای به سمت کاربرد رویکردهای شناختی برای درمان جنسی دارند.

منابع بسیاری وجود نقش طرحواره های شناختی منفی و خطا در پردازش اطلاعات در افراد با مشکلات جنسی را تایید کرده است (مک کارتی، ۱۹۸۶؛ کری و همکاران، ۱۹۹۳؛ روزن و همکاران، ۱۹۹۴). پژوهشها نشان می دهد که زنان مبتلا به اختلال کنشی جنسی، باورهای ناکارآمد مرتبط با سن و تصویر تن بیشتری نشان می دهند (نوبره و پینتوگویا، ۲۰۰۶a). در واقع فرد زمانی که یک موقعیت جنسی ناموفق را تجربه کند، باورهای ناکارآمدش موجب فعال شدن طرحواره های شناختی منفی در وی می شود و هنگامی که این طرحواره های خود انتقادی فعال می شود

سیستمی متشکل از افکار خودآیند منفی را فرا می خواند (افکار شکست/ قطع ارتباط، افکار سواستفاده ی جنسی) که مانع از تمرکز آنها روی محرک شهوانی (فقدان افکار شهوانی) می شود. همچنین، موجب بالارفتن هیجانات منفی (ناراحتی، سردرگمی، احساس گناه، فقدان لذت و رضایت) و اخلال در پاسخ جنسی می شود (نوبره و پیئتوگویا، ۲۰۰۶b، ۲۰۰۸).

از سوی دیگر، افکار خودآیند^۱، تصاویر یا شناختهایی است که به عنوان نتیجه ای از طحرواره ی شناختی یا باور بنیادینی که در موقعیت خاصی فعال می شود، توسط فرد گزارش می شود (بک، ۱۹۶۷). این تصاویر و افکار، منعکس کننده ی معنایی است که فرد به موقعیتی خاص می دهد و با پاسخ هیجانی و رفتاری به آن موقعیت ارتباط تنگاتنگ دارد؛ علاوه بر این، افکار خودآیند، نقش مهمی در فرآیند درمانی دارد و به عنوان گذرگاهی ترجیحی برای دسترسی به سیستم شناختی استفاده می شود، به درک باورهای بنیادین که اساس چند اختلال روان شناسی است کمک می کند (بک، ۲۰۱۱). افراد مبتلا، افکاری را نشان می دهند که با تکلیف جنسی، مرتبط نیست (یعنی فقدان افکار شهوانی) و در زنان، افکار سواستفاده ی جنسی^۲، شکست و طرد شدن^۳ یا تصویر تن^۴ غالب است. این افکار خودآیند منفی می تواند در ارتباط با هیجانات منفی (بیشتر مرتبط با خلق افسرده، فقدان لذت و رضامندی) و همراه با پاسخ جنسی ضعیف باشد (یعنی سطوح برانگیختگی پایین جنسی). این سه سیستم، هنگامی که فعال می شوند، یکدیگر را تغذیه کرده و چرخه ی نارساکنشی را حفظ می کنند (نوبره و پیئتوگویا، ۲۰۰۸، ۲۰۰۶).

بر اساس مطالعات انجام شده، ۴۰ درصد زنان، اختلالهای جنسی را در دوران زندگی زناشویی خود تجربه می کنند (مارگولیس، ۲۰۰۳)؛ یک سوم زنان از فقدان یا کمبود تمایل جنسی و یک چهارم از عدم تجربه ی ارگاسم رنج می برند (بیسون، برمن و ویپل، ۲۰۰۰). زنان، به علت ارگاسم دیر رس نسبت به مردان و نیز به علت عدم بیان نارضایتی خود، بیشتر مشکلات ناشی از اختلالهای جنسی را تجربه می کنند (گری، ۲۰۰۲). همچنین پژوهش ها نشان می دهد که بین رضایتمندی از ارتباط جنسی و رضایتمندی زناشویی، رابطه ی مثبت وجود دارد (کویچ و کاستوک، ۱۹۹۰).

بارلو (۱۹۹۴) در خلال دو دهه ی گذشته، تحقیقات با ارزشی درباره ی عوامل شناختی موثر در رفتارهای اختلال کنشی جنسی انجام داده است. مدل شناختی - عاطفی بارلو بیان می کند که تعامل

1. Automatic thoughts
2. Sexual abuse thoughts

3. Failure/disengagement
4. Body image

بین برانگیختگی های خودکار و تداخل شناختی، نقش مهمی در تعیین پاسخ های کنشی و نارساکنشی جنسی بازی می کند. اسبراکو و بارلو (۱۹۹۶) و ویگل، سپکوسکی و بارلو (۲۰۰۷) مدل اصلی را گسترش داده اند و معتقدند آسیب پذیری طرحواره ای، یکی از مولفه های مهم در نارساکنشی جنسی است. این محققین، بیان می کنند مفهوم طرحواره، به معنا نظری است که فرد درباره ی تمایلات جنسی و خود به عنوان شریک جنسی دارد و شامل استانداردها و انتظاراتی است که درارتباط با مسایل جنسی برای فرد مطرح است. اسبراکو و بارلو (۱۹۹۶) معتقدند افراد با نارساکنشی جنسی، مجموعه ای از باورهای جنسی دارند که معمولاً غیرواقعی و نادرست است و بیانگر شخصیتی سرسخت و نامنعطف است. زمانی که این استانداردهای غیرواقعی برآورده نشود تلویحات شخصی فاجعه آمیز طغیان می کند، رشد خود-طرحواره های منفی را تسهیل می کند و زمینه را برای مشکلات جنسی فراهم می کند.

علیرغم این که نتایج به دست آمده، از اهمیت متغیرهای شناختی در پاسخ جنسی حمایت می کند، داده های کمی درباره ی نقش ساختارهای شناختی بنیادین در این حیطه وجود دارد. مرور ادبیات پژوهشی نشان می دهد، مطالعات اندکی نقش طرحواره های شناختی را بر کنش جنسی مورد بررسی قرار داده است و علی رغم به کارگیری نظریه ی شناختی در حوزه های مختلف، کاربرد مفهوم طرحواره در حوزه ی نارساکنشی های جنسی به تازگی مورد توجه قرار گرفته است. مشاهدات بالینی و مدل های نظری بر اهمیت ساختارهای شناختی بنیادین (طرحواره ها یا باورهای بنیادین) در فرآیندهای نارساکنشی جنسی تاکید می کند (مک کارتی، ۱۹۸۶؛ کری، وینز و میزler، ۱۹۹۳؛ روزن، لیلیوم و اسپکتر، ۱۹۹۴؛ اسبراکو و بارلو، ۱۹۹۶). با توجه به آنچه گفته شد، در این پژوهش به دنبال بررسی ارتباط بین طرحواره های شناختی و افکار خودآیند منفی با کنشی جنسی بودیم.

روش

این پژوهش، یک پژوهش توصیفی مبتنی بر همبستگی است که جامعه ی آماری آن را دانشجویان متاهل زن دانشگاه فردوسی مشهد تشکیل می داد. از این جامعه، به روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۱۲۵ نفر انتخاب شدند. میانگین سنی گروه نمونه ۲۲/۰۸ و انحراف معیار آن ۲/۲۹ بود. شرایط ورود به پژوهش، ساکن مشهد بودن، خوابگاهی نبودن، داشتن رابطه ی جنسی طی چهار

هفته گذشته با همسر، گذشتن حداکثر پنج سال از ازدواج، نداشتن فرزند، عدم ابتلا به هر نوع اختلالهای عمده ی محور I روانپزشکی و محدوده ی سنی بین ۲۰ تا ۳۰ سال بود. آزمودنی ها با شاخص عملکرد جنسی زنان (FSFI)^۱، پرسشنامه ی برانگیختگی طرحواره های شناختی در بافت جنسی (QCSASC)^۲ و پرسشنامه ی سبک های جنسی (SMQ)^۳ مورد آزمون قرار گرفتند.

پرسشنامه ی شاخص عملکرد جنسی زنان (FSFI) توسط روزن و همکاران (۲۰۰۰) جهت سنجش اختلال کنشی جنسی زنان تهیه و در گروهی از زنان با اختلال تحریک جنسی اعتباریابی شده است. این ابزار، دارای ۱۹ سوال است که عملکرد جنسی زنان را در شش حوزه ی میل، تحریک روانی، لیزی، ارگاسم، رضایتمندی و درد جنسی می سنجد. این مقیاس در ایران توسط محمدی، حیدری و فقیه زاده (۲۰۰۸) هنجاریابی شده و ضریب آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس ۰/۷۰ و خرده مقیاس ها ۰/۸۰ گزارش کردند.

پرسشنامه ی برانگیختگی طرحواره های شناختی در بافت جنسی (QCSASC) ابزاری است با ۲۸ آیتم که طرحواره های شناختی افراد هنگام قرار گرفتن در موقعیت های جنسی را می سنجد. قسمت اول پرسشنامه، چهار موقعیت جنسی را ارائه می دهد که اختلال میل، اختلال برانگیختگی دشواری های رسیدن به ارگاسم و واژینیسموس را اندازه می گیرد. مطالعات روانسنجی (نوبره و پینتو گویوا، ۲۰۰۸) از اعتبار و پایایی پرسشنامه حمایت کرده است. ضریب آلفای کرونباخ در نمونه ی ایرانی برابر ۰/۶۸ گزارش شده است (ضیایی، ۲۰۱۳).

پرسشنامه ی سبک های جنسی (SMQ)، مقیاسی با هدف ارزیابی افکار، هیجانانگیز و پاسخ جنسی گزارش شده در طول فعالیت جنسی است (نوبره، ۲۰۰۳). این پرسشنامه، متشکل از سه خرده مقیاس فکر خودکار، پاسخ هیجانی و پاسخ جنسی است. نسخه ی مونث زیر مقیاس فکر خودکار ۳۳ آیتم دارد که افکار و تصاویری که معمولاً در طول فعالیت جنسی برانگیخته می شود را معلوم می کند. هدف، سنجش محتوای این افکار است که آیا متمایل به یک محرک جنسی است یا به نشانه های نامرتب گرایش دارد. مطالعات روانسنجی، از اعتبار و روایی زیر مقیاس ها حمایت کرده است (نوبره، ۲۰۰۳). ضریب آلفای کرونباخ در نمونه ی ایرانی توسط ضیایی (۲۰۱۳) برابر ۰/۸۶ گزارش شده است.

1. Female Sexual Function Index

2. Questionnaire of Cognitive Schema Activation in Sexual Context

3. Sexual Modes Questionnaire

یافته ها

در جدول ۱ میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیر	M	sd	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
کنش وری	۲۵/۲۲	۴/۳۷								
طرحواره ها	۴۸/۰۸	۱۵/۸۱	۰/۳۳ **							
افکار خودآیند	۶۳/۰۸	۱۵/۵۲	۰/۵۳ **	۰/۶۲ **						
سواستفاده	۱۳/۳۹	۴/۹۲	۰/۳۴ **	۰/۴۶ **	۰/۸۱ **					
شکست	۸/۱۲	۳/۵۷	۰/۶۰ **	۰/۴۱ **	۰/۷۰ **	۰/۵۴ **				
فقدان محبت	۸/۳۵	۲/۹۶	۰/۲۰ *	۰/۴۶ **	۰/۶۶ **	۰/۴۷ **	۰/۲۵ **			
انفعال جنسی	۱۱/۵۰	۴/۳۸	۰/۰۴	۰/۱۲	۰/۴۴ **	۰/۲۳ **	۰/۰۴	۰/۳۴ **		
فقدان افکار	۱۲/۲۶	۴/۱۵	۰/۶۶ **	۰/۵۳ **	۰/۷۱ **	۰/۴۰ **	۰/۵۸ **	۰/۳۷ **	۰/۰۶	
تصویر تن	۵/۷۸	۲/۵۷	۰/۲۶ **	۰/۴۵ **	۰/۴۶ **	۰/۲۸ **	۰/۲۸ **	۰/۱۸ *	۰/۰۵	۰/۳۵ **

* $P < 0.05$ و ** $P < 0.01$ * آزمون دو دامنه و NS عدم معناداری

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، طرحواره های شناختی فعال شونده و افکار خودآیند منفی با کنشی جنسی در زنان متاهل، همبستگی منفی معناداری دارد. همچنین از بین محتوای افکار خودآیند سواستفاده ی جنسی، شکست/ فکر جدایی، فقدان محبت شریک رابطه، فقدان افکار تحریک کننده و فقدان تصویر تن مطلوب با کنشی جنسی در زنان متاهل همبستگی منفی معناداری دارد ولی با محتوای فکر خودآیند انفعال جنسی معنا دار نیست. جهت بررسی توانایی پیش بینی کنشی جنسی توسط متغیرهای مذکور، از تحلیل رگرسیون خطی استفاده شد که نتایج در جدول زیر گزارش شده است.

جدول ۲: خلاصه ی نتایج تحلیل رگرسیون خطی

ملاک	متغیر پیش بین	R^2_{adj}	B	ثابت (مدل)	Sig.
توانایی پیش‌بینی	طرحواره های شناختی	۰/۱۰	-۰/۰۹	۲۹/۶۵	۰/۰۰۰
	افکار خودآیند منفی	۰/۲۷	-۰/۱۵	۳۴/۵۵	۰/۰۰۰
	سواستفاده جنسی	۰/۱۱	-۰/۳۰	۲۹/۲۲	۰/۰۰۰
	شکست / فکر جدایی	۰/۳۶	-۰/۷۴	۳۱/۲۴	۰/۰۰۰
	فقدان محبت شریک رابطه	۰/۰۳	-۰/۳۰	۲۷/۷۲	۰/۰۲۳
	انفعال جنسی و کنترل	۰/۰۱	۰/۰۴	۲۴/۷۸	۰/۶۶۷
	فقدان افکار تحریک کننده	۰/۴۳	-۰/۷۰	۳۳/۷۴	۰/۰۰۰
	فقدان تصویر تن مطلوب	۰/۰۶	-۰/۴۵	۲۷/۸۱	۰/۰۰۳

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می شود، نتایج تحلیل رگرسیون خطی نشان می دهد از بین متغیرهای پیش بین، مولفه ی طرحواره های شناختی و افکار خودآیند منفی توان پیش بینی متغیر ملاک را دارند. از بین محتوای افکار خودآیند نیز به جز فکر خودآیند انفعال جنسی و کنترل افکار سواستفاده جنسی، شکست/ فکر جدایی، فقدان شریک رابطه، فقدان افکار تحریک کننده و فقدان تصویر تن مطلوب توان توجیه تغییرات متغیر ملاک را دارد که در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه ی حاضر، بررسی ارتباط طرحواره های شناختی فعال شونده، افکار خودآیند منفی و محتوای افکار خودآیند با کنشی جنسی دانشجویان متاهل زن بود. در تحقیق حاضر، ارتباط دو سطح از متغیرهای شناختی یعنی طرحواره های جنسی و افکار خودآیند با کنشی جنسی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان دهنده ی وجود ارتباط در هر سطح بود. ارتباط طرحواره های جنسی به عنوان عمیق ترین بخش مورد بررسی، معنادار بوده و ارتباط دو متغیر، تایید شد. همسو با این یافته، مطالعات مبتنی بر نسخه های مرد و زن خود- طرحواره جنسی (اندرسون و سیرانوسکی، ۱۹۹۴؛ اندرسون و همکاران، ۱۹۹۹) نشان داد زنان با خود- طرحواره های جنسی منفی درگیری عاطفی کمتری با شریک جنسی خود دارند و اجتناب بیشتری در رابطه ی صمیمی هیجانی از خود نشان می دهند، همچنین سطوح اضطراب بیشتری درباره ی دوست داشته نشدن و طرد شدن از خود نشان می دهند (سیرانوسکی و اندرسون، ۱۹۹۸)؛ علاوه بر این، فعالیت جنسی مردان و زنان با خود- طرحواره های جنسی منفی، فراوانی و تنوع کمتری دارد، شریک های جنسی کمتری دارند و در طول عمر خود، برخوردهای جنسی کوتاه کمتری داشته اند (اندرسون و سیرانوسکی، ۱۹۹۴؛ اندرسون و همکاران، ۱۹۹۹). اندرسون و سیرانوسکی (۱۹۹۴) نشان دادند که زنان با خود- طرحواره های جنسی منفی، علاقه ی کمتری به فعالیت جنسی و فانتزی ها یا افکار جنسی کمتری دارند. این افراد، توانایی کمتری برای برانگیخته شدن جنسی در فعالیت های جنسی مختلف دارند. همچنین، داده ها نشان داده است زنان با خود طرحواره های جنسی منفی مشکلات برانگیختگی جنسی قابل توجهی نسبت به زنان با خود طرحواره های جنسی مثبت گزارش نکرده اند (سیرانوسکی و اندرسون، ۱۹۹۸).

از سوی دیگر، ارتباط افکار خودآیند منفی با کنشی جنسی در بخش دیگری از این مطالعه تایید شد. در واقع، ارتباط محتوای این افکار خودآیند (سواستفاده ی جنسی، شکست/ فکر جدایی

فقدان محبت شریک رابطه، فقدان افکار تحریک کننده و فقدان تصویر تن مطلوب) نیز با نارساکنشی جنسی تایید شد. همسو با این یافته، دیگر محققین بر اهمیت عوامل شناختی-هیجانی در پاسخ جنسی انسان تاکید کرده اند (هاوتون، ۱۹۸۵، ۱۹۸۹؛ بارلو، ۱۹۹۴؛ مک کارتی، ۱۹۸۹، ۱۹۹۲؛ بیکر، ۱۹۹۳؛ کری، وینز و میز لر، ۱۹۹۳؛ زیلبرگلد، ۱۹۹۲، ۱۹۹۹؛ روزن، لیلوم و اسپکتور، ۱۹۹۴؛ اسپراکو و بارلو، ۱۹۹۶؛ اندرسون، سیرانوسکی و اسپیندل، ۱۹۹۹؛ نوبره و پینتوگویا، ۲۰۰۶، ۲۰۰۰). بیشتر مطالعات تجربی در این حیطه بر ساختارهای شناختی خاصی متمرکز شده است مانند حواسپرتی شناختی (داو و ویدرمن، ۲۰۰۰؛ الیوت و اودونوهو، ۱۹۸۷؛ فرکس، ساین و ایوانس، ۱۹۷۹؛ گبیر و فهر، ۱۹۷۶؛ پرزیبلا و باین، ۱۹۸۴)، انتظارات سودمندی (باخ، بران و بارلو، ۱۹۹۹)، اسنادهای سببی (فیتن، اسپکتور و لیمن، ۱۹۸۸) یا ایده آل گرایی (دی بارتولو و بارلو، ۱۹۹۶). به طور کلی، نتایج مطالعه ی حاضر در کنار نتایج دیگر مطالعات، نقش مهم عوامل شناختی را در فرآیندهای نارساکنشی جنسی تایید می کند.

در اینجا جا دارد از شرکت کنندگان در این پژوهش که با دقت و علاقه نسبت به انجام پژوهش و تکمیل پرسشنامه ها اقدام نمودند، تشکر و سپاسگزاری شود.

References:

- Andermouler S.L., & Zeilven A. C. (1991). *Family background and marital satisfaction of newlyweds. Generational transmission of relationship interaction patterns*. Unpublished Master's Thesis, California State University.
- Andersen, B. L., & Cyranowski, J. M. (1994). Women's sexual self-schema. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 1079-1100.
- Andersen, B. L., Cyranowski, J. M., & Espindle, D. (1999). Men's sexual self-schema. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76, 645-661.
- Astone H., & Astone A. (2003) The Relationship between spouse relations and sexual satisfaction. *Journal of counseling and development*, 8 (9). (Persian).
- Bach, A. K., Brown, T. A., & Barlow, D. H. (1999). The effects of false negative feedback on efficacy expectancies and sexual arousal in sexually functional males. *Behavior Therapy*, 30, 79-95.
- Baker, C. (1993). A cognitive-behavioural model for the formulation and treatment of sexual dysfunction. In J. Ussher & C. Baker(Eds.), *Psychological perspectives on sexual problems: New directions in theory and practice* (pp. 110-128). London: Routledge.
- Barlow, D. H. (1994). Causes of sexual dysfunction: The role of anxiety and cognitive interference. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 54, 140-148.
- Basson, R. (2005). Women's sexual dysfunction: Revised definitions. *Canadian Medical Association Journal*, 172.
- Basson, R., Berman, J., & Whipple, B. (2000). Report of the International Consensus Development Conference on Female Dysfunction. *The Journal of Urology*, 163, 888-893
- Beck, A. T. (1967). *Depression: Causes and treatment*. Philadelphia: University of Pennsylvania Press.
- Beck, A. T. (1996). Beyond belief: A theory of modes, personality and psychopathology. In P.M. Salkovskis (Ed.), *Frontiers of cognitive therapy* (pp. 1-25). New York: Guilford Press.
- Beck, J. S. (2011). *Cognitive therapy: Basics and beyond*. New York: Guilford Press.
- Beck, J.G., Barlow, D.H., Sakheim, D.K., & Abrahamson, D.J. (1987). Shock threat and sexual arousal: The role of selective attention, thought content, and affective states. *Psychophysiology*, 24, 165-172.

- Bernhard, L.A. (2002) Sexuality and sexual health care for women. *Clin Obstet Gynecol.* Dec;45(4): 1089-98.
- Beshaarat, M. (2000) Sexual problems and their treatments. *Journal of counseling and development*, 9 (10); 102-114 (Persian)
- Bootzin, R.R., Bower, Crocker J, Hall G. (1991). *Psychology today: an Introduction*. 14th ed. London: McGraw-hill.
- Carey, M. P., Wincze, J. P., & Meisler, A. W. (1993). Sexual dysfunction: Male erectile disorder. In D.H.Barlow(Ed.), *Clinical handbook of psychological disorders: A step by step treatment manual* (2nd ed., pp. 442–480). New York: Guilford Press.
- Cowich, A., & Castock, C. (1990). Etiology, diagnostic algorithms & prognosis of female sexual dysfunction. *Maturities*, 63:128-34
- Cyranowski, J. M., & Andersen, B. L. (1998). Schemas, sexuality and romantic attachment. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1364–1379.
- Cyranowski, J.M., & Andersen, B.L. (2000). Evidence of self-schematic cognitive processing in women with differing sexual self-views. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19, 519–543.
- Cyranowski, J.M., Aarstad, S.L., & Andersen, B. L. (1999). The role of sexual-schema in a diathesis-stress model of sexual dysfunction. *Applied & Preventive Psychology*, 8, 217–228.
- Dehghany, A., & et al. (2008). Effectiveness of sex education on sexual attitude between couples. *Journal of knowledge and discovering*, 30; 35-48. (Persian)
- DiBartolo, P. M., & Barlow, D. H. (1996). Perfectionism, marital satisfaction, and contributing factors to sexual dysfunction in men with erectile disorder and their spouses. *Archives of Sexual Behavior*, 25, 581-588.
- Dove, N. L., & Wiederman, M. W. (2000). Cognitive distraction and women's sexual functioning. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26, 67–78.
- Elliot, A. N., & O'Donohue, W. T. (1997). The effects of anxiety and distraction on sexual arousal in a nonclinical sample of hetero sexual women. *Archives of Sexual Behavior*, 26, 607–624.
- Farkas, G. M., Sine, L. F., & Evans, I. M. (1979). The effects of distraction, performance demand, stimulus explicitness, and personality on objective and subjective measures of male sexual arousal. *Behaviour Research and Therapy*, 17, 25–32.
- Fichten, C. S., Spector, I., & Libman, E. (1988). Client attribution for sexual dysfunction. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 14, 208–224.
- Garey A. (2002). Female sexual dysfunction in a healthy Austrian cohort: Prevalence & risk factors. *EAU Update series*, 47, 366-75.
- Geer, J. H., & Fuhr, R. (1976). Cognitive factors in sexual arousal: The role of distraction. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 44, 238–243.
- Grandon J.R.R., Myer, J.E., & Hattie, J.A. (2004) The characterist between marital characteristics, marital interaction processes, and marital satisfaction. *Journal of counseling Dev*.82
- Hawton, K. (1985). *Sex therapy: A practical guide*. Northvale, NJ: Jason Aronson.
- Hawton, K. (1989). Sexual dysfunctions. In K.Hawton, P.M. Salkovskis, J. Kirk, & D. M. Clark (Eds.), *Cognitive behaviour therapy for psychiatric problems: A practical guide*. Oxford, England: Oxford University Press.
- Heiman, J. R., & LoPiccolo, J. (1988). *Becoming orgasmic: A sexual and personal growth program for women*. New York: Prentice Hall.
- Keyvani, M. (2007). *Health Psychology*. Tehran university Publication. (Persian)
- Khosroshaahy, Z. & et al. (2004). *Determination of prevalence of causative factors in sexual disorders. First family conference and sexual problems*. Tehran. (Persian)
- Kommer, T. V. D, Garnefski, N, Kraaij, V., Teerds, J., Legerstee, J. & Onstein, E (2002). The relationship between cognitive emotion regulation strategies and emotional problems: comparison between a clinical and a non-clinical sample. *European Journal of Personality*. 16, 403–420.
- Litzinger, S., & Gordon, K.C. (2005) Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *J Sex Marital Therapy*, 31(5):409-2
- Mahmoudi, G.H. (2009). Effectiveness of sex education on family health among students of mazandaran medical university. *Journal of medical university of Gonabad*, 3 (2); 15-29. (Persian)
- Margoliss, J.B. (2003). Female sexual dysfunction: New perspectives on Anatomy, physiology, evaluation & treatment. *EAU Update series*, 1:166-77.

- McCarthy, B. (1989). A cognitive-behavioral approach to sex therapy. In A. Freeman, K. M. Simon, L. E. Beutler, & H. Arkowitz(Eds.), *Comprehensive hand book of cognitive therapy* (pp. 435– 447). New York: Plenum.
- McCarthy, B. W. (1986). A cognitive-behavioral approach to understanding and treating sexual trauma. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 12, 322–329.
- Middlelton, L.S., Kuffel, S.W., & Heiman, J.R. (2008). Effectes of Experimentally Adopted Sexual Schemas on Vaginal Response and Subjective Sexual Arousal. *Journal Sex behavior*, 10:2-4
- Mohammadi, K.h., Heydari, M., & Faghih zadeh, S,. (1387). Validity of Persian Version of Female Sexual Function Index. *Payesh Journal*. 7, 269- 278. (Persian).
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2003). Sexual Modes Questionnaire: Measure to assess the interaction between cognitions, emotions and sexual response. *Journal of Sex Research*, 40, 368–382.
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2004). Differences in automatic thoughts presented during sexual activity between sexually functional and dysfunctional males and females. *Journal of Cognitive Therapy and Research*, 32, 37–49.
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2006a). Dysfunctional sexual beliefs as vulnerability factors to sexual dysfunction. *Journal of Sex Research*, 43, 68–75.
- Nobre, P. J., & Pinto-Gouveia, J. (2006b). Emotions during sexual activity: Differences between sexually functional and dysfunctional men and women. *Sexual Behavior*, 35, 8–15.
- Nobre, P. J., Pinto-Gouveia, J., & Gomes, F. A. (2003). Sexual Dysfunctional Beliefs Questionnaire: An instrument to assess sexual dysfunctional beliefs as vulnerability factors to sexual problems. *Sexual and Relationship Therapy*, 18, 171–204.
- Ohady B. (2004). *Sexual behaviors and desires*. Sadeghe Hedayat Publication(2004). (Persian)
- Przybyla, D. P., & Byrne, D. (1984). The mediating role of cognitive processes in self-reported sexual arousal. *Journal of Research in Personality*, 18, 54–63.
- Rahimy E & et al.(2009). Effectiveness of cognitive behavioral education on sexual confidence, knowledge and attitude among women in Shiraz. *Journal of Armaghan Knowledge*, 14 (3);87-99. (Persian)
- Rijo, D. M. (2000). *Assessment of early maladaptive schemas and psychopathology: Exploring different assessment methodologies*. Unpublished master's thesis, Faculty of Psychology and Educational Science, University of Coimbra, Portugal.
- Rosen, R. C., Brown, C., Heiman, J., Leiblum, S., Meston, C., Shabsig, R., & et al. (2000). The Female Sexual Function Index (FSFI): A multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 26, 191-208.
- Rosen, R. C., Leiblum, S. R., & Spector, I. (1994). Psychologically based treatment for male erectile disorder: A cognitive-interpersonal model. *Journal of Sex and Marital Therapy*, 20, 67–85.
- Salehzadeh, M., & et al. (2009). Effectiveness of cognitive behavioral therapy on sexual disorders in women. *Journal of Psychological studings*, 7 (1); 7-20. (Persian)
- Sbrocco, T., & Barlow, D. H. (1996). Conceptualizing the cognitive component of sexual arousal: Implications for sexuality research and treatment. In P. M. Salkovskis (Ed.), *Frontiers of cognitive therapy* (pp. 419–449). New York: Guilford Press.
- Spence, J., & Losoff. (2001). Modification of dysfunctional patterns of sexual response through autonomic arousal and false physiological feedback. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 63, 604–615.
- Weisberg, R., Brown, T., Wincze, J. P., & Barlow, D. H. (2001). Causal attributions and male sexual arousal: The impact of attributions for a bogus erectile difficulty on sexual arousal, cognitions and affect. *Journal of Abnormal Psychology*, 110, 324–334.
- Wiegel, M., Scepkowski, L., & Barlow, D. (2007). Cognitive-affective processes in sexual arousal and sexual dysfunction. In E. Janssen (Ed.). *The psychophysiology of sex*, (pp. 143–165). Bloomington: Indiana University Press.
- Wilson, H., & McAndrew, S. (2000). *Sexual Health: foundations for practice*. London: BailliereTindall.
- Zilbergeld, B. (1999). *The new male sexuality*. New York:Bantam.

Journal of
Thought & Behavior in Clinical Psychology
Vol. 8 (No. 28), pp. 17-26, 2013

The Relationship between Activating Cognitive Schemas, Negative Automatic Thoughts and Sexual Arousal in Married Female College Students

Ziyayi, Parisa

Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Sepehri Shamlou, Zohreh

Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Mashhadi, Ali

Ferdowsi University, Mashhad, Iran

Sexual activity is regarded as one of the most fundamental aspects of life. The research purpose is to investigate the relationship between activating cognitive schemas, negative automatic thoughts and sexual arousal in married female college students. Therefore, in a descriptive study based on regression, a sample of 125 female married students was selected from Ferdowsi University of Mashhad through the convenience sampling and was tested in terms of the sexual performance, activation of cognitive schemas in sexual context and sexual styles. Results of the regression analysis indicated that activating cognitive schemas and negative automatic thoughts are correlated to sexual arousal. Moreover, sexual abuse automatic thoughts were negatively correlated to the lack of stimulating thoughts, lack of desirable body image and sexual arousal of married women. The results of this research indicated that sexual arousal can be predicted by negative automatic thoughts and cognitive schemas. These findings confirm that cognitive schemas and negative automatic thoughts are the influencing variables of married women's sexual arousal.

Keywords: Sexual Arousal, Cognitive Schemas, Negative Automatic Thoughts.

Electronic mail may be sent to: ziaee.parisa@gmail.com